

بررسی چگونگی اشتراط اجتهاد در قضاوت از دیدگاه فقهای امامیه

فرشته اسدالهی^۱

سمیه فاتحی‌نیا^۲

چکیده

قضاوت و داوری به دلیل نقشی که در دفع و رفع خصومت میان متخاصمان دارد، از جایگاه خطیری در فقه برخوردار است. قاضی با آبرو، جان و مال مردم سروکار داشته و ازمین‌روی در شریعت آسمانی اسلام، شرایط خاصی برای قاضی در نظر گرفته شده است. یکی از شروط منصب قضاوت، اجتهاد است. فقهاء در مورد حدود و حقیقت اجتهاد اختلاف نظر دارند؛ گروهی اجتهاد مطلق را شرط دانسته و برخی اجتهاد متجزی را کافی می‌دانند. عده‌ای نیز شرط اجتهاد را قبول نکرده و معتقدند علم قاضی به آنچه که قرار است در مورد آن داوری و حکم کند، برای تصدی این منصب، کفایت می‌کند.

با وجود اختلاف دیدگاه مذکور، این جستار در صدد است نظر فقهای امامیه در این زمینه را مورد بررسی نقادانه قرار دهد. تحقیق حاضر به روش تحلیل مفهومی، گزاره‌ای و سیستمی و با بهره‌گیری از تکنیک کتابخانه‌ای به دنبال دست‌یافتن به نظر فقها در این مسئله و سپس ارزیابی آن است. علمای شیعه به دلیل اهمیت خاص منصب قضاوت در کتاب فقهی خود، باب جداگانه‌ای به این امر اختصاص داده‌اند. با تتبع در اقوال فقها اینگونه به نظر می‌رسد که اجتهاد شرط در قضاوت است اما نه به صورت مطلق، بلکه به نحو تجزئی کفایت می‌کند.

کلیدواژه‌ها: اجتهاد، قضاوت، مجتهد مطلق، مجتهد متجزی

^۱ طلبه سطح سه رشته فقه و اصول، حوزه عالی کوثر قزوین ، asadollahi1393@gmail.com ، ۰۹۹۱۰۵۹۸۸۶۴

^۲ طلبه سطح سه رشته فقه و اصول، حوزه عالی کوثر قزوین ، Fatehisomaye4@gmail.com ، ۰۹۱۰۴۶۹۱۴۴۰

مقدمه

از جمله اهداف اساسی ارسال رسل و برپایی نظام الهی، حفظ نظم عمومی و اجرای عدالت اجتماعی است. از سوی دیگر باتوجه به اینکه تمامی افراد جامعه پایبند به مقررات قانونی و ضوابط اخلاقی نبوده و از انجام وظایف قانونی یا احترام به حقوق دیگران امتناع می‌ورزند، این امر موجب ازبین‌رفتن نظم عمومی و عدالت اجتماعی می‌گردد، هرچند که بر طبق اصل اولی، ولایت مختص خداوند است و خروج از آن نیاز به دلیل دارد اما به جهت اهمیت برپایی قسط و بازستاندن حقوق مظلومین و ناتوانان جامعه، حق ولایت برای معصومین و در زمان غیبت به مقتضای ادله عقلی و نقلی برای فقیه جامع الشرایط ثابت می‌شود، چراکه واگذاری امر حق‌ستانی به همه افراد، یقیناً موجب هرج و مرج و اختلال نظام خواهد شد؛ در نتیجه تنها راه موجود، پذیرش حق اعمال ولایت برای حاکم و قضات و قوای وابسته به اوست تا با رعایت مصلحت جامعه، اقدام به احقاق حقوق عامه مردم نمایند.

فقه‌ها در کتب فقهی خود بابتی درباره قضاوت دارند که در آن با توجه به شرایط عادی، اوصافی را برای قاضی بیان نموده‌اند. از جمله این اوصاف، اجتهاد مطلق است. تحقیق حاضر در صدد است تا با محوریت قرارداد دادن دیدگاه‌های فقه‌های امامیه به بررسی این مسئله بپردازد که باتوجه به منابع معتبر فقه شیعی آیا اجتهاد مطلق از شروط الزامی قاضی است یا اینکه اجتهاد متجزی نیز کفایت می‌کند؟ در صورت اشتراط اجتهاد مطلق، باتوجه به افزایش نزاع و خصومت‌ها و عدم دسترسی به مجتهد مطلق یا نبود مجتهدین مطلق به حد نیاز، آیا مجتهد متجزی صلاحیت قرار گرفتن در منصب قضاء را دارد؟

پیشینه و وجه تمایز: باتوجه به اهمیت و جایگاه بحث قضاوت، پژوهش‌های متعددی به بررسی جوانب مختلف آن پرداخته‌اند که از میان آن‌ها به مقالاتی از قبیل «قضاوت مقلد و مجتهد متجزی» از محمدحسن حائری یزدی و «ضرورت اجتهاد تخصصی در عصر جدید و شئون آن در فقه شیعه» از سعید مولوی وردنجانی و «اجتهاد قاضی در نظام قضائی ایران» از مهدی موحدی محب و «اعتبار اجتهاد در قاضی باتاکید بر نظر محقق خویی» از قاسم رضایی اشاره کرد. آنچه پژوهش حاضر را از سایر مقالات متمایز می‌کند اولاً پرداخت تفصیلی و نقادانه به ادله جواز اجتهاد

قاضی در دیدگاه شیعه است و ثانیاً بررسی مسئله با رویکرد اجتماعی به فقه و بیان استدلالات و نقدهای نوآورانه‌ای است برای اثبات اینکه در عصر حاضر وجود مجتهد متجزی در منصب قضاوت امری اجتناب‌ناپذیر است.

۱. مفاهیم

۱/۱. قضاء مشتق از « قضی - یقضی » است (صاحب، ۱۴۱۴ ه. ق، ۵/۴۶۲) و معانی لغوی متعددی دارد از جمله خلق و آفرینش که در آیه "فَقَضَاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ" (فصلت: ۱۲) بدین معنا به کار رفته است و در آیه "وَاللَّهُ يَقْضِي بِالْحَقِّ" (غافر: ۲۰) معنای حکم از این واژه برداشت می‌شود؛ همچنین در آیه "وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ" (اسراء: ۲۳) در معنای امر استعمال شده است (طباطبایی کربلایی، ۱۴۱۸ ه. ق، ۵/۱۵). راغب اصفهانی قضاء را امر نمودن به کاری و پایان دادن به آن، با سخن یا عمل الهی یا بشری می‌داند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ه. ق، ۶۷۴)؛ عده‌ای از فقها قضاء را در شریعت به معنای «وَلَايَةُ الْحَكَمِ شَرْعاً لِمَنْ لَهُ أَهْلِيَّةُ الْفَتْوَى بِجُزْئِيَّاتِ الْقَوَانِينِ الشَّرْعِيَّةِ، عَلَى أَشْخَاصٍ مَعِينَةٍ مِنَ الْبَرِيَّةِ، بِإِثْبَاتِ الْحَقُوقِ وَاسْتِيفَائِهَا لِلْمُسْتَحَقِّ» تعریف کرده‌اند. بنا بر این تعریف، ولایت بر حکم، شرعاً برای کسی که دارای اهلیت و شایستگی فتوا پیرامون قوانین شرعی، درباره اشخاص معینی از مردم در زمینه‌ی اثبات و استیفای حقوق برای آنها که مستحق و سزاوار آن است. (همان، عاملی: ۱۴۱۳ ه. ق، ۱۳/۳۲۵، اصفهانی، ۱۴۱۶ ه. ق، ۵/۱۰، میرزای قمی، ۱۴۲۷ ه. ق، ۲/۵۹۵، نجفی، ۱۴۰۴ ه. ق، ۸/۴۰، آشتیانی، ۱۳۶۹ ه. ق، ۲، خوانساری، ۱۴۰۵ ه. ق، ۲/۶) آغاز قضاوت، ریاست کلی در امور دین و دنیا و نهایتاً قطع کردن منازعه است. (طباطبایی کربلایی، ۱۴۱۸ ه. ق، ۵/۱۵، بحرانی، بی تا، ۴/۱۴).

۱/۲. **اجتهاد** از ریشه «جهد» گرفته شده است. جهد یعنی مشقت و سختی (فیروزآبادی، ۱۴۱۵ ه. ق، ۱/۳۹۶؛ جوهری، ۱۳۷۶ ه. ق، ۲/۴۶۱؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ه. ق، ۲۰۸؛ ابن اثیر، ۱۳۶۷ ه. ق، ۱/۳۲۰) و جهد در لغت به معنای کوشش گسترده و وسیع به اندازه طاقت است. لذا اجتهاد به معنای خود را با صرف نیرو و تحمل، به سختی و مشقت واداشتن است (ابن

منظور، ۱۴۱۴.ه.ق، ۳/ ۱۳۵؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲.ه.ق، ۲۰۸) و همچنین در معنای نهایت تلاش برای به دست آوردن امری که مستلزم مشقت و سختی است نیز به کار رفته است (طباطبایی کربلایی، ۱۲۹۶، ۵۶۹؛ تهانوی، ۱۹۹۶م، ۱/ ۱۰۱) و در اصطلاح شرعی اجتهاد "استفراغ الوسع لتحصيل الظن بحکم شرعی" است. (آخوندخراسانی، ۱۴۰۹.ه.ق، ۴۶۳؛ فاضل تونی، ۱۴۱۵.ه.ق، ۲۴۳؛ استرآبادی ه.ق، ۱۴۲۶، ۵۰؛ عاملی، ۱۴۲۰.ه.ق، ۴۷؛ محقق کرکی، ۱۴۰۹، ۳/ ۱۷۵) که در مفهوم به کارگیری توان و نیرو برای تحصیل دلیل و حجت بر احکام شرعی است. حاصل تعاریف این است که، "سخت کوشی" عنصر اصلی در امر اجتهاد است و فرد مجتهد با این خصیصه درصدد دست یافتن به احکام فقهی و باز کردن مشکلات اساسی در این زمینه است. از همین رو در یک تقسیم بندی، مجتهدین به اعتبار تلاششان در تمامی ابواب فقه یا بعضی از آنها، به دو قسم مطلق و متجزی تقسیم می‌شوند (کاشف الغطاء، بی تا، ۱۵۲).

مراد از مجتهد مطلق در اصطلاح فقهی کسی است که بر تمامی مدارک احکام آگاهی داشته باشد (طباطبایی کربلایی، ۱۴۱۸ ه.ق، ۱۱/ ۱۵؛ عاملی، ۱۴۱۳ ه.ق، ۳۲۸/ ۱۳؛ حائری، ۱۲۹۶.ه.ق، ۵۷۱) و مقصود از مجتهد متجزی فردی است که علم به مدارک بعضی از احکام دارد (طباطبایی کربلایی، ۱۴۱۸ ه.ق، ۱۱/ ۱۵؛ شیرازی، ۱۴۲۷.ه.ق، ۲۹۹؛ خراسانی، ۱۴۱۷ ه.ق، ۳/ ۳۵۲). در تعریفی دیگر مجتهد متجزی کسی است که در برخی از ابواب فقهی ملکه استنباط و اجتهاد را دارد؛ مثلاً فقط در باب طهارت یا عبادات قدرت استنباط دارد (محمدی، شرح کفایه الأصول - قم، چاپ: چهارم، ۱۳۸۵ ش. ۳۶۲/ ۵؛ علامه حلی، حسن بن یوسف، مبادی الوصول إلى علم الأصول - قم، چاپ: اول، ۱۴۰۴ ق. ۲۴۳). مراد ما در این تحقیق از مجتهد متجزی همین است که شخصی نه در همه ابواب فقهی، بلکه در یک یا چند باب اجتهاد داشته باشد، به طوری که خصوص باب اجتهاد لزوماً یکی از این ابواب باشد.

۲. بررسی و نقد حکم اولی در مسئله

فقها براساس روایات، چندین ویژگی برای شخص قاضی بیان کرده‌اند. یکی از این اوصاف که فقها در تفسیر آن اختلاف نظر دارند، وصف علم است. بر همین اساس سه دیدگاه ایجاد شده است: گروهی قائل به اجتهاد مطلق قاضی می‌باشند و فقهایی که قضاوت مجتهد متجزی را پذیرفته‌اند

و دستۀ سوم، صرف علم به آنچه که درمورد آن قضاوت می‌نماید را کافی می‌دانند که این تفسیر شامل قضاوت مقلد نیز می‌شود.

در دیدگاه اول، فقها علم را اینگونه تفسیر کرده‌اند: «العلم و لو بالمعنى الأعم الشامل للظن الاجتهادى بالحكم الشرعى القائم مقامه بالدليل القطعى، فهو فى الحقيقة علم و لو بوسيلة الظن، فإنّه فى طريق الحكم لا نفسه» (طباطبایی کربلایی، ۱۴۱۸ ش/۸/۱۵). از نظر این فقها ظن حاصل از قول مجتهد متجزی به واسطه دلیل قطعی و ظنی، حجت نشده است و از همین رو نمی‌تواند در منصب قضاوت قرار گیرد، اما ظن حاصل از قول مجتهد مطلق، به واسطه اجماع امت و نص شرعی که جزء ادله قطعی هستند، معتبر شده است (همان، ۹/۱۵؛ حائری، ۱۲۹۶: ۵۴۸).

با این بیان که قول فردی که واجد یا فاقد اهلیت فتوا است، ظن آور است و براساس اصل و عمومات آیات^۱ و روایات از عمل به ظن نهی شده است، ولی به واسطه اجماع و اقتضای ضرورت و اعتبار مرکب از مقدمات قطعی بدیهی^۲، حجیت ظن فرد دارای اهلیت فتوا از عمومات نهی، خارج شده است، زیرا ظن حاصل از چنین فردی در حکم قطع است. این در حالی است که ادله قطعی و ظنی در شخص متجزی در دست نیست و در صورت پذیرش حجیت ظن مجتهد متجزی، این عمل نوعی اثبات ظن به واسطه ظن است که به دلیل ایجاد دور یا تسلسل عقلاً جایز نیست (طباطبایی کربلایی، ۱۴۱۸: ۱۱/۱۵ و ۱۲).

فقها برای اثبات دیدگاه اول به ادله متعدد و مختلفی استناد کرده‌اند:

۱۰۲/۱ اجماع

نخستین استدلالی که بسیاری از فقها به آن استناد کرده‌اند اجماع است (عاملی، شهید ثانی، ۱۴۱۳ ه.ق، ۳۲۸/۱۳؛ میرزای قمی، ۱۴۲۷ ه.ق، ۵۹۹/۲؛ طباطبایی کربلایی، بی‌تا، ۶۹۶؛ نجفی، ۱۴۰۴ ه.ق، ۱۵/۴۰؛ اردبیلی، ۱۴۲۳ ه.ق، ۷۶/۱) با این بیان که صرف اطلاع به فتوای فقها برای

^۱ وَ مَا يَتَّبِعُ أَكْثَرُهُمْ إِلَّا ظَنًّا إِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ ﴿۳۶﴾

^۲ استناد باب علم و المركب من مقدمات قطعية بدیهية مجمع عليها: بقاء التكاليف بالأحكام، و انسداد باب العلم إليها، و عدم التكليف بما لا يطاق أصلاً،

خمینی، مصطفی؛ تحریرات فی الأصول؛ قم؛ بی نا؛ ۱۴۱۸ق.

خوانساری، سید احمد بن یوسف؛ جامع المدارک فی شرح مختصر النافع؛ قم: مؤسسه اسماعیلیان؛ ۱۴۰۵ق.

دهخدا، علی اکبر؛ لغت نامه دهخدا؛ تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.ش

راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ مفردات ألفاظ القرآن؛ بیروت: دار القلم؛ ۱۴۱۲ق.

رحمان ستایش، محمد کاظم؛ جدیدی نژاد، محمد رضا؛ بازشناسی منابع اصلی رجال شیعه؛ قم: موسسه علمی فرهنگی دار الحديث؛ ۱۳۸۴ش.

رشتی، حبیب الله؛ کتاب القضاء؛ قم: دارالقرآن الکریم؛ ۱۴۱۰ش.

روحانی، محمد؛ منتقى الأصول؛ قم: بی نا؛ ۱۴۱۳ق.

زمخشری، محمود بن عمر؛ أساس البلاغة؛ بیروت: دار صادر؛ ۱۹۷۹م.

سبحانی تبریزی، جعفر؛ الرسائل الأربع (للسبحانی)؛ قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام؛ ۱۴۱۵ق.

شاهرودی، سید محمود بن علی حسینی؛ کتاب الحج (لشاهرودی)؛ قم: مؤسسه انصاریان؛ ۱۴۰۲ق.

صاحب، اسماعیل بن عباد؛ المحيط فی اللغة؛ بیروت: عالم الكتب؛ ۱۴۱۴ق.

صدوق، محمد بن علی بن بابویه؛ من لا یحضره الفقیه؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم؛ ۱۴۱۳ق.

طباطبایی کربلایی، سید علی بن محمد؛ ریاض المسائل (ط - الحديثه)؛ قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام؛ ۱۴۱۸ق.

عاملی، زین الدین بن علی؛ مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام؛ قم: مؤسسه المعارف الإسلامية؛ ۱۴۱۳ق.

بحرانی، حسین بن محمد؛ الأنوار اللوامع فی شرح مفاتیح الشرائع (للفیض)؛ قم: مجمع البحوث العلمیة؛ بی تا.

اصفهانى، محمد بن حسن؛ كشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحكام؛ قم: دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزه علمیه قم؛ ۱۴۱۶ق.

گیلانی، ابو القاسم بن محمد حسن؛ رسائل الميرزا القمی؛ قم: دفتر تبلیغات اسلامی شعبه خراسان؛ ۱۴۲۷ق.

نجفی، محمد حسن؛ جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام؛ بیروت: دار إحياء التراث العربی؛ ۱۴۰۴ق.

آشتیانی، میرزا محمد حسن بن جعفر؛ کتاب القضاء (للآشتیانی ط - القديمة)؛ تهران: چاپخانه رنگین؛ ۱۳۶۹ق.

طباطبایى حکیم، محمدسعید؛ المحکم فی أصول الفقه؛ قم: بی نا؛ ۱۴۱۴ق.

طباطبایى یزدی، سید محمد کاظم؛ حاشیة المکاسب (للیزدی)؛ قم: مؤسسه اسماعیلیان؛ ۱۴۲۱ق.

طوسی، محمد بن حسن؛ رجال الطوسی (جامعه مدرسين)؛ قم: جماعة المدرسين فی الحوزة العلمیة بقم مؤسسه النشر الإسلامی؛ ۱۳۷۳ش.

طوسی، محمد بن حسن؛ فهرست کتب الشیعة و أصولهم و أسماء المصنفین و أصحاب الأصول؛ قم: مکتبه المحقق الطباطبائی؛ ۱۴۲۰ق.

طوسی، محمد بن حسن؛ فهرست کتب الشیعة و أصولهم و أسماء المصنفین و أصحاب الأصول؛ قم: مکتبه المحقق الطباطبائی؛ ۱۴۲۰ق.

عاملی، زین الدین بن علی؛ رسائل الشهيد الثاني (ط - الحديثه)؛ قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم؛ ۱۴۲۱ق.

عاملی، زین الدین بن علی؛ مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام؛ قم: مؤسسه المعارف الإسلامیه؛ ۱۴۱۳ق.

عاملی، محمد بن حسن؛ الرجال (الحر العاملی؛ قم: موسسه علمی فرهنگي دار الحديث؛ ۱۴۲۷ ق.

عاملی، محمد بن مکی؛ غایه المراد فی شرح نکت الإرشاد؛ قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم؛ ۱۴۱۴ق.

علامه حلی، حسن بن یوسف؛ رجال العلامة الحلی؛ قم: الشریف الرضی ؛ ۱۴۰۲ ق.

فراهیدی، خلیل بن احمد؛ کتاب العین؛ قم: نشر هجرت؛ ۱۴۰۹ق.

فیروز آبادی، محمد بن یعقوب؛ القاموس المحيط؛ بیروت: دار الکتب العلمیه؛ ۱۴۱۵ق.

قرشی، علی اکبر؛ قاموس قرآن؛ تهران: دار الکتب الاسلامیه؛ ۱۳۷۱ش.

قهپایی، عنایه الله؛ مجمع الرجال؛ قم: موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان؛ ۱۳۶۴ش.

کجوری شیرازی، محمد مهدی؛ الاجتهاد و التقليد؛ قم: نهانندی؛ ۱۳۸۰ش.

کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی (اسلامیه)؛ تهران: دار الکتب الإسلامیه؛ ۱۳۶۳ش.

کاشف الغطاء، علی بن محمد رضا بن هادی؛ باب مدينه العلم؛ نجف: مؤسسه کاشف الغطاء، بی تا.

مازندرانی حائری، محمد بن اسماعیل؛ منتهی المقال فی أحوال الرجال؛ قم: مؤسسه آل البيت (عليهم السلام) لإحياء التراث؛ ۱۴۱۶ق.

محقق، محمد باقر بن محمد مؤمن؛ كفاية الأحكام؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم؛ ۱۴۲۳ق.

ميرزای قمی، ابو القاسم بن محمد حسن؛ رسائل الميرزا القمی؛ قم: تبليغات اسلامی - شعبه خراسان؛ ۱۴۲۷ق.

محمدي، علي؛ شرح كفاية الأصول؛ قم: الامام الحسن بن علي (عليه السلام)؛ ۱۳۸۵ش.

مرتضى زبيدي، محمد بن محمد؛ تاج العروس من جواهر القاموس؛ بيروت: دار الفكر؛ ۱۴۱۴ق.

مكارم شيرازي، ناصر؛ دائرة المعارف فقه مقارن؛ قم: انتشارات مدرسه امام علي بن ابي طالب عليه السلام؛ ۱۴۲۷ق.

موحدي نجفی، محمدباقر؛ البرهان السديد في الاجتهاد و التقليد؛ قم: دار التفسير؛ ۱۳۸۷ش.

موسوی خلخالی؛ سيد محمد مهدي؛ حاکميت در اسلام؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی؛ ۱۳۸۰ش.

موسوی خمینی، سيد روح الله؛ الاجتهاد و التقليد (للإمام الخميني)؛ تهران: مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خميني (قدس سره)؛ ۱۴۱۸ق.

نجاشي، احمد بن علي؛ رجال النجاشي؛ قم: جماعة المدرسين في الحوزة العلمية بقم مؤسسه النشر الإسلامي؛ ۱۳۶۵ش.

نجاشي، احمد بن علي؛ رجال النجاشي؛ قم: مؤسسه النشر الإسلامي؛ ۱۳۶۵ش.

نجفی، حسن بن جعفر بن خضر؛ أنوار الفقاهة - كتاب القضاء؛ نجف: مؤسسه كاشف الغطاء؛ ۱۴۲۲ق.

عراقي، ضياء الدين؛ كتاب القضاء (تقريرات، للنجم آبادي)؛ قم: مؤسسه معارف اسلامی امام رضا عليه السلام؛ ۱۴۲۱ق.

نجفی، محمد حسن؛ جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام؛ بیروت: دار إحياء التراث العربی؛
۱۴۰۴ق.

نوروزی، علیرضا؛ رهیافت «تجمیع ظنون» در بررسی اسناد حدیث، و نقدی بر مکتب رجالی محقق
خویی رضوان الله تعالی علیه؛ حدیث پژوهی؛ ۱۴۰۲ش.